



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - اسفند ۱۳۹۶

سیمای معشوق در شعر نادر نادرپور

منیره نصری^{۱*}

۱- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

خلاصه

معشوق در شعر معاصر با معشوق شعر کلاسیک که شخصیتی کلی و غیر اجتماعی دارد و همواره مورد ستایش قرار گرفته است، تفاوت دارد. از زمان مشروطه که مضامین شعری در بسیاری از جهات تغییر پیدا کرد، معشوق نیز شخصیتی حقیقی با جنسیتی مشخص نمود می‌یابد و حتی در مواردی مصداقی از همسر شاعر می‌باشد که در تمام ابعاد زندگی او حضور داشته است. نادر نادرپور یکی از شاعران معاصر است که در اشعار وی، معشوق حضور برجسته‌ای دارد. در همین راستا پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی بازتاب سیمای معشوق را در شعر نادر نادرپور بررسی و تحلیل کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شعر نادر پور معشوق جلوه‌های گوناگونی دارد. جدای از اینکه معشوق زن بوده و به حالت‌های جسمانی پرداخته و از لب و چشم و زلف و... حرف زده است و با این اعضا ویژگی‌های معشوق را بیان کرده است، معشوق در شعر نادر پور حالت خیالی دارد و مخاطب نمی‌تواند دریابد مراد شاعر از وی چه کسی است، با این وجود، نادر پور معشوق را امید و گرما بخش زندگی تصور می‌کند هر چند که معشوق هیچ وقت نیست یا اینکه مرده است یا به دلیلی عاشق را ترک کرده و عاشق داد تنهایی و دوری سر داده است. شاعر جدای از معشوق زن، طبیعت را معشوق می‌داند و در اشعارش گاهی آفتاب، درخت، آسمان و شب را معشوق تصور می‌کند و ویژگی‌های انسانی را با جان بخشی به آنها بیان کرده و با آنها عاشقانه‌ها سر داده است.

کلمات کلیدی: معشوق، شعر معاصر، نادر نادرپور...

۱. مقدمه

یکی از برجسته‌ترین مفاهیم شعر غنایی فارسی، عشق و ارکان آن (عاشق و معشوق) است. در این میان، معشوق همواره یک رکن متغیر و متحول در ادوار شعر فارسی بوده است؛ گاهی معشوق، زمینی به شمار می‌آمده است و گاهی فرازمینی و دست‌نیافتنی. این تغییرات و دگرگونی‌های معشوق، حاصل ذهنیات شاعران بوده است و بر مبنای ذهن غنایی شاعران، فراز

مدرس دانشگاه فنی دخترانه سنندج،*
Email: m.nasri2385@gmail.com